

برای ایران، برای ایران و فقط برای ایران

به نام مهسا

همزمان با رکوردشکنی تاریخی هشتگ «مهسا امینی» در توییتر، کاربران توییتر فارسی ژانر تازه‌ای برای استفاده از این هشتگ راه انداخته‌اند. آنها در توییت‌هایی درباره آرزوها و خواسته‌هایشان درباره ایران می‌نویسند و توییت خود را با «برای...» شروع می‌کنند. آنچه می‌خوانید منتخبی از این توییت‌هاست.

«برای تمام دوستی‌هایی که هنوز شکل نگرفته با مهاجرت از بین رفت»، «برای دیدن مادرم»، «برای پدرم که خونش روی زمین ریخت تا خون مردم روی زمین نریزد»، «برای ایران، برای ایران، برای ایران، برای ایران...»، «برای هشتگ نشدن مهسای بعدی...»، «به خاطر تمام زنانی که تو فرودگاه فهمیدن شوهرشون ممنوع‌الخروجشون کرده»، «برای خشکی زاینده‌رود، کارون و دریاچه ارومیه. □ برای خوزستان و گرد و غبار خفه‌کننده، برای تاراج چوب درخت‌ها، برای از دست رفتن محیط‌زیست کشور»، «برای پا گذاشتن روی گلوی استارت‌آپ‌ها و فراری دادن کارآفرین‌ها، برای انحصاری کردن بازار و کرور کرور انسانی که تو ناامن‌ترین خودروها از دست می‌رن»، «برای ایران. برای عطر بوی نان در کوچه پس‌کوچه‌های پرخاطره‌اش. برای زنده ماندن عشق. برای ما که هنوز ریشه در این خاک داریم. برای ما که ما ندیم و می‌مانیم»، «برای قطره قطره آب‌هایی که هدر رفت، برای تمام دریاچه‌ها و رودخانه‌هایی که خشک شد، جنگل‌هایی که سوخت و خورده شد، برای محیط زیست در حال احتضارمان»، «برای آینده بچه‌هامون»، «برای ایران، برای این مردم نازنین، برای جوانان عزیز و جسور، برای آنها که به جبر مهاجرت کردند»، «برای کشوری که ما از قلبش مهاجرت کردیم، اما اون هرگز از قلب ما مهاجرت نکرد...»، «برای تمام مادرانی که بعد از طلاق نتونستن بچه‌هاشون و ببینن»، «برای محیط زیستی که نیست کردید، نابود کردید»، «برای بابام که هنوز نتونسته وی‌پی‌ان رو راه بندازه و خبری بده به ما»، «برای تمام کسانی که به خاطر نبودن واکسن کرونا جونشون در ایران از دست دادن... به یاد مادرم»، «برای تو که غریب بودی ولی نامت رمز شد»، «برای دریاچه ارومیه، برای یوز

ایرانی، برای بختگان، برای گاوخونی، برای زاینده‌رود، برای جنگل‌های هیرکانی و برای زاگرس»، «به خاطر تمام بچه‌های بی‌شناسنامه، به خاطر میلیون‌ها افغانستانی سرگردان که از هر حقی محروم‌شون کردید، به خاطر مهاجرانی که سه نسل در ایران هستند و هنوز به سیم‌کارت نمی‌تونن به نام خودشون بخرن»، «برای تمام پدر و مادرهای بازنشسته که یک عمر کار کردن و حالا زیر فشار اقتصادی کمرشون خم شده»، «به خاطر غواصان کربلاي ۴ که با دست بسته غرق شدن...»، «برای سرنشینان هواپیمای اوکراینی که بعد از اون حادثه هیچ کدومون اون آدمای سابق نشدیم»، «برای حسرت دیدن دوستان مهاجر»، «برای جوانی نکرده، برای حسرت دیدن دوستان مهاجر»، «برای اینکه می‌خوایم چند سال هم نرمال زندگی کنیم ببینیم زندگی بدون استرس هر روزه چه جوریه»، «برای چند هزار کشته‌ای که سالانه به خاطر جاده‌های داغون و ماشین‌های داغون‌ترشون میدیم» و «برای تمام هزینه‌هایی که می‌تونست خرج تفریح‌مون بشه ولی خرج تراپی شد.»

منبع: روزنامه اعتماد 2 مهر 1401 □□□□□□